

علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه داری
شماره پنجاه و پنجم / بهمن هزار و چهارصد



کانون صنفی معلمان همسو با دولت سرمایه و سدی در مقابل
دخالت‌گری کارگران آموزشی (بهرام دژگی) / دو گزارش از تجمع
کارگران بخش آموزش / رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران
درمان (متن تکمیلی ۲۷) / چند کلمه پیرامون حمایت کارگران
پیمانی نفت از معلمان / مسئله دستمزدها و چانه زنی آخر سال
(منصور تبریزی) / «حسن حسام» از چه چیز عصبانی است؟! (بهرام
دژگی) / گزارش اعتراضات کارگری روزهای اخیر

کانون صنفی معلمان همسو با دولت سرمایه و

سدی در مقابل دخالت‌گری کارگران آموزشی



بهرام دزکی / بهمن ۱۴۰۰



سرمایه در سال ۱۳۸۶ فاصله گرفته است، از جنبه اعتراضی این تجمع‌ها کاسته شده است. چنانکه این روزها و در تجمع ۳۰ بهمن ماه، از لحاظ اعتراضی تهی و صرفاً بصورت بست‌نشینی درآمدی بود. چیزی که زیاد به چشم می‌خورد کنترل تجمع‌کنندگان بود که مبدا فردی از آنچه که ایادی کانون در رابطه با سخنرانی‌ها و شعارها از پیش تعیین کرده اند تخطی کند. سخنرانی‌ها مکتوب هستند و شعارها هم تکراری و چند نفری هم از افراد کانون از بلندگوها نگرهبانی میکنند که مبدا سخنی بر خلاف مشی و سیاست کانون

هر کارگر آموزشی (معلم) که در تجمع معلمان شرکت کرده باشد به وضوح دریافته است که کانون صنفی معلمان بیش از یک میلیون کارگر مزدی را دعوت به تجمع میکند، یک سری شعار از پیش تعیین شده طرح می‌نماید و از کارگران می‌خواهد این شعارها را فریاد کنند. مضمون شعارها چیزی نیست جز تایید نظامی که باعث و بانی گرسنگی و بی‌سرپناهی ما کارگران است و درخواست و استغاثه از همین دولت سرمایه است که طرح همسانی دستمزدها را اجرا کند. به مرور زمان این تجمع‌ها از اعتراض به دولت

است و کارگر بودن معلمان را انکار می کند و در نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و پیام‌های صوتی میکوشند این بخش کارگری را به جناح‌های بورژوازی چون جبهه ملی گره بزنند. انتظار تغییر مشی کانون و اینکه به کارگران اجازه دهند آزادانه دخالت‌گری کنند و مبارزات کارگری را از چهارچوب قوانین بورژوازی به در آوردند و با سرمایه به ستیز پردازند، بیهوده است، اگر انتظاری باشد از بدنه کارگران آموزشی‌ست. متأسفانه زمانیکه معلمی فریاد اتحاد با دیگر بخش‌های کارگری سر داد، کارگران آموزشی سکوت کردند. آنانی که نزدیک تربیون بودند به حمایت از کارگری که بر خلاف رویکرد حاکم بر کانون صنفی سخن می گفت، بلند نشدند تا نسبت به عوامل کانون اعتراض کنند. آنانی که در فاصله دورتری قرار داشتند سخنان و شعارهای این کارگر دخالت‌گر را ادامه ندادند بلکه اعتراضشان در نجواها و پیچ‌پیچ‌های خفته حاکمی از ترس محدود ماند. در این مواقع بدنه کارگری باید دست به اعتراض بزنند و به ایادی کانون صنفی معلمان هشدار جدی بدهند که حق هر کارگر آموزشی و دیگر کارگران است که حرف و نظر خود را آزادانه بیان کند. تجمع‌کنندگان عمدتاً شنونده هستند. کانون صنفی توسط افرادی که لیدر نامیده میشوند، سخنرانان و افراد را کنترل میکنند که مبادا صحبتی برخلاف مشی کانون زده شود. سخنرانان از پیش تعیین شده‌اند و همه در راستای سیاست بورژوازی کانون صحبت میکنند. ما کارگران آموزشی باید این سکوت را بشکنیم و با عمل خود کانون را به عقب برانیم تا هر کارگری

صنفی که در راستای نظام کارمزدی و دفاع از قوانین سرمایه تئوریزه شده، حرفی بزند. در تجمع قبلی، معلمی را که از اتحاد با بخش‌های مختلف کارگری صحبت کرد و مشخصاً اتحاد کارگران و معلمان را شعار داد، از سکو به پایین پرت کردند. در تجمع ۳۰ بهمن هم به محض آنکه کارگری از اتحاد کارگر و معلم لب به سخن گشود، بلندگو را از دستش گرفتند. این دو نفر از کارگران آموزشی بودند حتی از پدران دانش‌آموزانی که اکثراً کارگر هستند، نبودند. در تجمع ۳۰ بهمن جمعی از دانش‌آموزان و والدین آنها هم شرکت کرده بودند اما توجه هیچکدام از دست‌اندرکاران کانون صنفی را جلب نکرد.

چند قدم دورتر از تجمع معلمان، تجمعی بر پا شده بود، نزدیک به هزار نفر، که خود را با پارچه‌نوشته‌ای، ایثارگران معرفی می‌کردند یا به واقع معلولین جنگ ارتجاعی ایران و عراق بودند. جنگی که حاکمان سرمایه در ایران و عراق برای افزون‌خواهی برپا کردند. بسیاری از کارگران ایران و عراق در این جنگ سلاخی شدند، جنگی که هیچ ربطی به کارگران ایران و عراق نداشت تنها اینان هزینه مالی و جانی جنگ را تأمین کردند و برای رژیم اسلامی سرمایه «نعمت‌ها» آفرید. این جماعت میگفتند ما در جنگ کشته و معلول شدیم تا شما (سران رژیم حاکم) به قدرت برسید. این جماعت نیز خواستار افزایش دستمزد بودند. این که کانون صنفی مانع دخالت‌گری کارگران آموزشی میشود بخاطر رویکرد بورژوازی حاکم بر آن است که خود را در صنف محصور کرده

سخنی دارد بطور آشکار به زبان آورد. در تمامی تجمع ها حق هر معلم و کارگریست که نظر بدهد. عوامل کانون هم حق ندارند مانع صحبت کردن دیگر کارگران آموزشی شوند. تا آنجایی که در این تجمع‌ها دیده شده است بخشی از معلمان خواستار همبستگی با دیگر کارگران برای گرفتن مطالبات خود شده‌اند و به سخن دیگر به این بست‌نشینی که حاصلی جز سرخوردگی و انفعال نداشته است، معترض هستند. صرفاً با فشار ما کارگران آموزشیست که می‌توان مانع این خط مشی بورژوازی کانون صنفی شد.

ما معلمان برای گرفتن مطالبات خود به زور و قدرت نیاز داریم دستیابی به این قدرت و زور در همبستگی با دیگر بخش‌های کارگری امکان‌پذیر است. برای دستیابی به آنچه کارگران آموزشی

اکنون برای آن به اشکال مختلف اعتراض و مبارزه میکنند، بایستی به مقابله با سرمایه به پا خیزیم. اما کانون صنفی معلمان در همسویی با دولت سرمایه‌از این کار جلوگیری میکند. بست‌نشینی و استغاثه افزایش ناچیز دستمزدها آن چیزی است که نظام کارمزدی و در همراهی با آن، کانون صنفی معلمان می‌خواهد. بایستی بطور سراسری و شورایی در مقابله با سرمایه به پیکار روی آوریم. این تنها و تنها راه است که میتواند سرمایه را به عقب نشینی وادار کند. در این شرایطی که دولت سرمایه غرق در بحران و تحریم است، طبق آمارها حاصل کار و تولید طبقه ما اعم از کارگران یدی و فکری، کارگران صنعتی، ساختمانی، آموزشی، پرستاران و غیره بالغ بر ۳۳ هزار تریلیون تومان است. باید خواستار کل این محصول شویم.

گزارش تجمع ۳۰ بهمن

گزارش ارسالی یک کارگر از درون اجتماع

امروز (۳۰ بهمن) کارگران آموزش جلوی مجلس تجمع کردند. یک نفر از کانون صنفی معلمان مطابق معمول سخنرانی کرد. کل صحبت او این بود که فلان نماینده مجلس چنین گفت، دولت چنان گفته است. به زعم آنها طرح همسان سازی هزینه بر است!! فرد دیگری بیانیه کانون را خواند. بیانیه ای که از اول تا آخرش اجرای طرح طبقه بندی را می‌خواست و البته تأکید می‌کرد که اجرای آن بدون حقه و کلک باشد!! شعارهای توخالی تکراری

بسیار بی‌آزار و قابل قبول حکومت زیاد بود. در این شعارها علاج درد را کم شدن اختلاس‌ها می‌خواندند، از عوض شدن وزیر و اهمیت کاهش یک اختلاس می‌گفتند. در گیر و دار این حرف‌ها معلمی بلندگوئی پیدا کرد و متفاوت با اعضای کانون صنفی از اهمیت اتحاد میان معلمان و سایر بخش‌های طبقه کارگر گفت. شروع به دادن شعار نمود و خواستار اتحاد و یکپارچگی کارگران آموزش با همه توده کارگر شد. صحبت او به طرفه

العینی خاموش گردید. زیرا جمعیتی از ایادی کانون به سمت وی شتافتند، او را دور کردند و سد راه سخنرانی وی شدند. این اقدام کانون با اعتراض خفته فاقد هر مقدار جسارت عده ای معلم مواجه شد. این معلمان در پشت لبان بسته، با چرخش چشم به اطراف و تقلای یافتن اطمینان به اینکه تحویل پلیس نگردند، کلماتی منقطع و نامفهوم نجوا کردند که به نظر می رسید از برخورد کانون با معلم سخنران خشنود نیستند!!! معلمی هم که کاسه صبرش از این وضعیت لبریز شده بود خطاب به اطرافیان گفت آخر کدام کارگر آموزش، کدام معلم است که نداند مجلس، دولت، حکومت و کل ساختار قدرت سرمایه داری قرار نیست کاری برای ما انجام دهند، مگر نه این است که تمامی فقر و فلاکت و گرسنگی و گورخوابی ما را سرمایه، همین سرمایه داران و دولت آنها بر ما بر سر ما خراب کرده اند. مگر این سیستم آموزشی ماقبل قرون وسطائی و متون درسی ساز و کار و شستشوی مغزی را خود این طبقه و دولتش با

قدرت قهر پلیسی بر ما تحمیل نکرده اند، پس چرا باید از همین نظام و دولتش بهبود معاش و اصلاح آموزش گدائی کنیم. چه کسی نمی داند که تنها راه داشتن قدرت متحد مبارزه و مجبور ساختن سرمایه داران و دولت به قبول خواستهاست. حتی کانون صنفی هم تا این حد می فهمد، اما به این دلیل که مدافع اساس حاکمیت سرمایه داری است از هر میزان نمایش قدرت واقعی ما وحشت دارد. کمی آن طرف تر معلمی عکس تریاک کشیدن ولایتی را نشان می داد و معلمی دیگر می کوشید گفتگوها را کمی جدی تر سازد. گفت معلمی که از اتحاد همه کارگران می گفت حرف درستی می زد، چرا حرفش را قطع کردند، چرا بلندگو را از دستش گرفتند. دونفر هم گفتند کار کانون همیشه این بوده است. همین چند روز پیش در تظاهراتی دیگر وقتی معلمی خواست از مطالبات واقعی معلمان بگوید کانونی ها او را به زیر کشیدند و مورد آزار قرار دادند.

گزارش مستقیم از تجمع

گزارش تجمع ۳ اسفند

زنان بودند. سخنران اول معلم زنی بود که به ترتیب از سران سه قوه و شورای نگهبان گله کرد. از خود گفت که بعد از ۲۰ و چند سال کار اجاره نشین است. ترجیح بند سخنانش نشان

با توجه به آنچه در اجتماع روز ۳۰ بهمن گذشت پیش بینی می شد که بدبختانه تعداد معترضان بیش از پیش کاهش یابد. جمعیت معلمان حاضر در اجتماع امروز حدود ۲۰۰ نفر بود. بیشترشان

دادن تعهد به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی بود!!! از خامنه ای فاکت می آورد که اعتراض کنندگان اغتشاش گر نیستند. مجیز گویی، التماس از دولت و حاکمان سرمایه، تقدیر و تشکر از نیروهای انتظامی، پاسداران و سایر قوای سرکوب سرمایه به اوج رسید!!! معلمی خواست صحبت کند. افرادی از کانون صنفی او را دوره کردند و به زور نگذاشتند حرفی بزند. معلم جوان کوتاه نمی آمد، به کارکرد کانون سخت معترض بود. فریاد می زد که از خرم آباد آمده ام و برای سخنرانی از رسول بدایعی مجوز دارم. یک نفر از وفاداران به کانون جواب داد اگر اوهم این جا بود همین کار را با تو می کرد!!! کارگر آموزشی معترض گفت همه خودشان را فروخته اند. "اخته شان کرده اند" در حالی که جمعی دور کارگر آموزشی معترض خرم آبادی جمع بودند و می خواستند حرفهایش را بشنوند یکی از گردانندگان کانون صنفی ضمن تصریح تعهد خود به جمهوری اسلامی، شروع به فحاشی علیه مجاهدین و بورژوازی اپوزیسیون نمود. غرضش از فحاشی، عریان ساختن تعلق خاطر کامل و صد

درصدی خود به رژیم اسلامی سرمایه بود، یک معلم دیگر از هفتاد هزار کشته معلم در جنگ حرف زد. آنقدر بازار خرزعلبات گویی بالا گرفت، که بهشتی آمد برای گرم کردن بازار و دور کردن افراد از دور کار معترض خرم آبادی چند شعار تکراری سرداد. در حالی که خانمی بیانه پایانی تجمع را می خواند. بهشتی به اطرافیان دستور داد که کارگر خرم آبادی را دور کنند. یکی از حاضرین خطاب به بهشتی گفت چه شده که سال ۱۳۸۶ خود را کارگر می دانست حالا از کارگران دوری می جوید!!! عملاً مانع دخالت گری کارگران شده ای؟ بهشتی سرش را چرخاند به طرف فردی که او را خطاب قرار داده بود ولی حرفی نزد. یکی از دوستان با چند از معلمان خانم گرم صحبت شد، می گفتند کانون با این کارهایی که می کند، خودش را از کارگران دور و به دولت سرمایه داران نزدیک و نزدیک تر می کند. هواداران کانون هم می گفتند که امثال معلم معترض همه کمونیست هستند. در ضمن متفرق شدن متوجه شدیم معلم دیگری از آمل برای سخن رانی آمده بود که به او هم اجازه صحبت ندادند

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان



کارگران ضد سرمایه داری / بهمن ۱۴۰۰

و خطر مرگ را به جان خریدند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سبعیت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن ها در این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهاند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در بیست و هفتمین متن تکمیلی آمار کشتگان کادر درمان (بین ۷ آذر تا ۳۰ بهمن ۱۴۰۰، اطلاعات قبل را در شماره های قبلی نشریه علیه سرمایه می یابید) می آوریم صرفا در برگیرنده نامهایی است که توانسته ایم از تاریکی زار مآلماز از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید ۱۹ مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیونی و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید ۱۹ تن به کار شاق دهند

۸۴۷	مژگان فرخ پی متخصص بیهوشی بیمارستان اهواز	۸۴۸	اسماعیل کوتی پرستار بیمارستان اهواز
۸۴۹	همایون علی پناهی پزشک جوان بیمارستان کودکان تبریز	۸۵۰	مژگان شیر خانی مامای شبکه بهداشت شهر ریگان
۸۵۱	امیر حسین نوشاد جمال پزشک عمومی درمانگاه امیریه تهران	۸۵۲	لیلا پارسه رزیدنت دانشگاه علوم پزشکی اهواز
۸۵۳	مرضیه فلاحی پرستار بیمارستان تامین اجتماعی رشت	۸۵۴	جمیله رسولی مامای بیمارستان تهران (دوازدهمین باردار)
۸۵۵	نیلوفر اکبر زاده رزیدنت بیمارستان بهشتی تهران	۸۵۶	محمد تنظیفی رزیدنت دانشگاه پزشکی مشهد
۸۵۷	کیوان آقایی پرستار بیمارستان سقز	۸۵۸	فریبا سیف کادر درمان بیمارستان گلستان اهواز

اخبار اعتراضات کارکنان حوزه درمان سرمایه

دانشگاه تجمع کردند.
چهارشنبه ۱۷ آذر کادر درمانی (استخدام شرکتی) بیمارستان‌های شیراز در محوطه ساختمان مرکزی علوم پزشکی در اعتراض به عدم امنیت شغلی خود تجمع کردند آن‌ها به جای قراردادهای پیمانی با شرکتها، خواهان قرارداد مستقیم با دانشگاه هستند.

کادر درمان حوزه بهداشت و درمان سرمایه در تهران و اصفهان در اعتراض به عدم امنیت شغلی، سطح نازل دستمزدها، شرایط سخت کار امروز (**شنبه ۶ آذر ماه**) مقابل سازمان های دولت سرمایه تجمع کردند.
تجمع اعتراضی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد روز ۱۶ آذر در اعتراض به عدم پرداخت حق کرونا و کارانه در حیاط

روز یکشنبه (۵ دی ماه) جمعی از کارگران شرکتی پایگاه‌ها و مراکز خدمات جامع سلامت استان قم که به صورت شرکتی مشغول کارند، در اعتراض به وضعیت شغلی و استخدامی خود مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند.

کادر درمان بدون سهمیه طرحی و ۸۹ روزه تهران در اعتراض به عدم امنیت شغلی در مقابل مجلس دست به تجمع زدند.

گروه های مختلف دستیاری در مراکز درمان تهران از جمله بیمارستان فیروزگر و بیمارستان رسول اکرم در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد دستیاری دست به اعتصاب زدند.

روز شش بهمن دستیاران تخصصی زنان علوم پزشکی اصفهان در اعتراض به سطح نازل دستمزدها اعتصاب کرده و مقابل دفتر رییس دانشکده پزشکی تجمع کردند.

کارکنان بهداشت و درمان شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی، **روز (شنبه ۹ بهمن)** در شهرهای اصفهان، شیراز، ایلام، اسدآباد، شهر پلدختر، مشهد، تهران، یاسوج، اهواز، بوکان، لشت نشا استان گیلان، رشت، فیروز آباد، شهرستان رستم، شهرستان کوار، رودسر در اعتراض به عدم امنیت وضعیت شغلی و معیشتی خود تجمع کردند. این گروه

کارگران می گویند به دلیل رواج قراردادهای موقت و برون سپاری خدمات دانشگاه‌های علوم پزشکی، پس از فروکش کردن هر موج کرونا، زمینه اخراج آن‌ها فراهم می‌شود.

دوشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۰ رزیدنت‌های پزشکی علوم پزشکی زنجان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و کمک هزینه تحصیلی دست به تجمع زدند.

کادر درمان و کارکنان اداری بیمارستان مهرگان مشهد در اعتراض به مشخص نبود وضعیت کارشان با توجه به تعلیق شدن بیمارستان و عدم دریافت دستمزد مقابل این مرکز تجمع کردند.

در ادامه اعتصاب سراسری پزشکان طرحی مناطق محروم، برخی از آنان روز **پنجشنبه ۱۴ بهمن ماه** نیز با انتشار تصاویر، پلاکاردها و ویدیوهایی به سطح نازل دستمزدهای خود اعتراض کردند. این پزشکان از چند روز قبل در اعتراض به پرداخت نشدن کارانه‌ها و وضعیت دستمزدهای پایین خود اعتصاب کرده بودند.

کارکنان اداری و کادر درمان بیمارستان زاگرس ایلام در اعتراض به عدم پوشش جمعیت کارگری بیمه تامین اجتماعی در استان ایلام روز **۲۷ بهمن** دست به تجمع زدند.



کارگران ضد سرمایه داری / بهمن ۱۴۰۰

دیدن، متمایز پنداشتن کارگران حوزه آموزش از بیکره طبقاتی خود، از طبقه کارگر و جنبش کارگری پای بند می بینند!! هنوز هم معلمان را انسانی هائی غیر کارگر، شاید «خرده بورژوا»!!، «طبقه متوسط»!!! و نوع این ها می پندارند!! نوعی تحلیل، شناخت و روایت فاجعه بار عمیقاً سرمایه زاد و سرمایه سرشت که تاریخاً سلاح دست بورژوازی برای شقه، شقه کردن و متلاشی نمودن طبقه ما، بمباران هستی اجتماعی ماهیتاً واحد ما و در هم کوبیدن شیرازه همسنگری، هم‌رزمی و صف آرائی متحد ضد سرمایه داری ما به عنوان یک طبقه واحد بوده است. بورژوازی در همه دوره ها با به کارگیری تمامی توان فکری، فرهنگی و شستشوی مغزی خود این هدف را دنبال کرده است، به همه کارها دست زده است و بسیار موفق پیش تاخته است، هنوز هم جمعیت کثیری از معلمان خود را کارگر نمی بینند!!، کارگر بودن را اهانت به شأن و منزلت خود می پندارند!!، به گونه بسیار شنیی پیوند زدن خویش به طبقه استثمارگر و بشرستیز بورژوازی را مباحات و داشتن هستی طبقاتی کارگری را مایه ننگ و

اعلام همبستگی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از هم‌زنجیران معلم خویش قطعاً بسیار ارزنده و شایسته ارجح‌تری است. این حمایت مسلماً جرقه ای ولو کمسو، زاده‌ای هر چند اندک و طلایه رویکردی اگر چه آغازین، برای روشن تر ساختن، تحصیل توان و تاختن به سوی هم‌پوندی های پرشورتر، شورائی تر و سرمایه ستیزتر در پروسه کارزار جاری طبقه ما، طبقه کارگر است. ما این حمایت را ارج می گذاریم، هم‌زمان همبستگی و همگامی خود با مبارزات ممتد، پرخروش و رو به اوج هم‌زنجیران معلم را که بخش بسیار چشمگیر و مهمی از کل طبقه ما را تشکیل می دهند اعلام می کنیم. در کنار این کار و ضمن تأکید هر چه افزونتر بر مبرمیت و اهمیت این همصدائی ها، نکاتی را هم در باره اطلاعیه یاران خویش در شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت قابل یادآوری و گفتگو می بینیم. اطلاعیه می گوید که: «مطالبات معلمان، خواسته های کارگران نیز هست» (نقل به مضمون) این بدان معنی است که رفیقان ما در «شورای سازماندهی» هنوز هم خود را به جدا

خفت می یابند!! تلقی و باور دردناکی که فاجعه بارترین ضربات را بر کل جنبش کارگری و از جمله کارگران آموزش وارد کرده است. آب به آسیاب دشمن ریخته است، قدرت پیکار طبقه ما را متلاشی کرده است و سرمایه داران و دولت سرمایه را مجال سرکوب هر چه موفق تر مبارزات ما داده است. در چنین وضعی هر نوع همسوئی با این پندار بی پایه، پندار تعلق معلمان به نیروئی غیر طبقه کارگر و جنبش کارگری، ولو که ناشی از تسامح و غفلت باشد، نیازمند یادآوری، انتقاد و بازکاوی است.

دوستان «شورای سازماندهی اعتراض ...» اول حساب معلمان را از طبقه کارگر جدا می کنند، آنها را نیروئی فاقد هستی اجتماعی کارگری و متمایز و مجزا از جنبش کارگری قلمداد می نمایند و سپس از ستاد خاص خویش یا طبقه خود برای این جمعیت وسیع «غیرکارگر»!!! پیام حمایت ارسال می دارند!! حمایت ارزنده و کارگری است اما این مرکزکشی و جداسازی و متمایز انگاری همان چیزی است که سرمایه، طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری می خواهد. رفقا ادامه می دهند که:

«به عنوان والدین دانش آموزان هر کجا که باشیم لازم است در تجمعات معلمان شرکت کنیم، در محل تجمعات همبستگی خود را اعلام کنیم، با دست گرفتن شعار تحصیل با کیفیت و رایگان برای همه کودکان در کنار معلمان شریف ایستیم» انجام این فعالیت ها و فروختن مشعل این همصدائیهها بسیار زیبا است اما پرسش مهم آنست

که چرا به عنوان غیر خودی، در لباس والدین دانش آموزان، زیر پرچم حمایتگری اومانیستی، حقوق بشری، دادخواهی و ظلم ستیزی «همنوعانه»!! چرا این گونه؟ با این موضعگیری ها؟ در این جبهه آرائیها و نه با موجودیت طبقاتی خویش، نه در لباس طبقه کارگر؟ و نه در زیر درفش یک جنگ متحد و انداموار طبقاتی علیه سرمایه داری و دولت سرمایه؟؟!! شاید دوستان این حرفها را خرده گیری و این نقدها را چپ روانه پندارند!!! اما بحث بر سر آرایش و ویرایش الفاظ نیست، سخن از نوع نگاه ما به اساسی ترین مسائل مبارزه طبقاتی، چگونگی آرایش قوای ضد سرمایه داری کل طبقه کارگر، فرار از سیطره شناخت و شعور بورژوازی و پلایش اندیشه ها، باورها، راهکارها و جهتگیری های نسخه پیچی شده سرمایه از روند پیکار جاری طبقه خویش است. یک بارد دیگر حمایت شما از کارگران آموزش را ارج می نهیم، به عنوان کارگران ضد سرمایه داری از کل توده های کارگر می خواهیم که به حمایت فعال و رادیکال از مبارزات روز همزنجیران خویش در حوزه آموزش برخیزند، اصرار داریم و بر این نکته پای می فشاریم که به حمایتهای کاغذی و صدور اطلاعیه ها اکتفاء نکنند، مصمم و استوار دست به کار تعطیل نمودن مراکز کار و تولید شوند، چرخ تولید سرمایه و سود را از چرخش فرو اندازند، راه اعمال قدرت متحد جمعی و طبقاتی را پیش گیرند، دولت بورژوازی را به عقب نشینی کامل در مقابل خواست های عاجل همزنجیران معلم مجبور سازند.

مسئله دستمزدها و چانه زنی آخر سال



منصور تبریزی / فوریه ۲۰۲۲

و تولید کارگران را تصاحب می کنند، از هزاران راه برای افزایش سهم خود، برای کاهش فزاینده میزان کار بامزد و افزایش بدون مهار کار بدون هیچ مزد برنامه می ریزند و این برنامه را با قدرت علیه کارگران اعمال می کنند. تاریخ سرمایه داری شاهد بسیار گویای این واقعیت بسیار زشت است. این مسأله را فراموش نکنیم که با همه اعتصابات، اعتراضات، کشاکش در ایران و جهان، شاهد پایین رفتن هر روزه و هر ساله بهای نیروی کار و طبیعتاً قدرت خرید خود بوده ایم و هستیم. سرمایه با تمام توان و به کمک کل اهرمهایش در حال محکمتر کردن زنجیر بردگی ما و تضعیف لحظه، لحظه قدرت جنگیدن ما است. بعد از چند صد سال مبارزه برای زندگی بهتر و انسانی تر، وضع معیشت، رفاه و امکانات اجتماعی طبقه ما در دنیا نه فقط هیچ بهتر نشده که مدام رو به قهقرا رفته است. این سقوط یا غلطیدن به ورطه فلاکت، فقر، گرسنگی، بدبختی در طول چند دهه اخیر بیش از حد وحشتناک و غیرقابل تحمل شده است. هر چه بیشتر کار کردیم و تولید نمودیم خود گرسنه تر و فقیرتر شدیم، کوه سرمایه طبقه سرمایه دار

هرچه به آخر سال نزدیکتر می شویم شاهد چانه زنی سرمایه داران و نماینده سیاسی آنها (جمهوری اسلامی) از یک طرف و کارگران از سوی دیگر می باشیم. این چانه زنی را میتوان در جای، جای جهان سرمایه داری به تماشا نشست. کشمکشی میان دو طرف که یکی میخواهد مزد کمتری بدهد، کار بی مزد، کار اضافی یا ارزش اضافی، سرمایه و انباشت بیشتری داشته باشد. دیگری سعی میکند، کار با مزدش بیشتر شود، کفه بسیار سنگین کار اضافی، کار بدون هیچ مزدش را سبکتر سازد تا از سقوط به ورطه فقر و فلاکت و بیخانمانی بیشتر جلوگیری کند. این گوشه مهمی از مبارزه آشتی ناپذیر میان طبقه سرمایه دار و کارگر است. مبارزه ای که نهایتاً بالا و یا پایین بودن مزد را تعیین می کند. سرنوشت این مبارزه نیز از پیش، همیشه روشن است. کارگران شکست خورند یا پیروز شوند، فرقی نمی کند، آنها حتی اگر به بالاترین قله فتوحات رسند، پیروزی واقعی، حتمی، شکوهمند از آن سرمایه داران و طبقه آنها است. به هر حال آنهایند که باز هم ۹۰ درصد، ۹۵ درصد و گاه بسیار بیشتر از کل حاصل کار

کوهساران شد و سر به فلک کشید و ما فقط مفلوک تر، آواره تر، بیکارتر شده ایم. این سقوط رعب آور فقط خاص ما کارگران ایران نیست. در آلمان، سوئد، انگلستان، کانادا، امریکا هم همین گونه است. دیرزمانی است سرمایه داری فقط با سلاخی روز به روز زندگی ما بقای خود را تضمین می کند.

طبق جدول ارائه شده در یک تحقیق، اگر سال ۱۳۵۸ که مزدها افزایش یافت را سال پایه انتخاب کنیم، حداقل دستمزد واقعی پس از آن، مدام کاهش یافته است. در سال ۱۳۶۹ به پایین ترین سطح خود رسید، به گونه ای که قدرت خرید کارگران کمتر از یک سوم سال ۱۳۵۸ و معادل سطح درآمد واقعی آنها در سال ۱۳۴۹ شده بود. در این مدت کارگران جهت تامین حداقل هزینه زندگی، ساعت ۶ الی ۷ صبح از منزل خارج و ساعت ۹ الی ۱۰ شب به منزل باز می گشتند. سرمایه داران با افزایش سرطانی نرخ استثمار کارگران و ساعات کار بدون هیچ مزد آنها، تراست پشت سر تراست تأسیس می کردند، عظیم ترین هولدینگ ها را می ساختند و سراسر جهنم سرمایه داری را از سرمایه پر می کردند و توده کارگر هر روز مفلوک تر و فقیرتر و حاشینه نشین تر و گورخواب تر می شد. همان گزارشی می گوید که در سال ۱۴۰۰ مزد واقعی کارگران حتی از سال ۱۳۴۹ حدود ۱۰ مرتبه کمتر شده است!

بیائیم قبول کنیم که کارنامه بسیار سیاهی داریم. چندین نسل متوالی است که برای افزایش مزد

مبارزه می کنیم و حاصل مبارزات ما ارقامی است که در بالا آمد. مشکل در همین جا خلاصه نمی شود. قبلا چیزی زیر نام بیمه داشته ایم امروز به طور وحشتناکی سلاخی شده است یا اصلا نداریم. بیکاری دهها بار از امروز کمتر بود. شرکت های آدم فروشی وجود نداشتند یا حداقل همه کاره نبودند، قراردادهای موقت، چند روزه، یک روزه و سفید امضاء نبودند، کارگران مراکز کار دارای ۱۰ کارگر و کمتر حالت بردگان مهدور الدم فاقد هیچ نوع حق نبودند و سرمایه دار به اندازه امروز قادر متعال مایشاء تعیین کننده هر لحظه مرگ و زندگی آنها نبود. تا قبل از میانه دهه ۷۰ حدود ۹۰٪ قراردادهای کار در ایران و در کل جهان «قراردادهای دائم» بودند، ما شب و روز برای افزایش مزد و بهبود معاش اعتصاب و اعتراض و مبارزه می کردیم اما همه اینها با سرعت باد رخ می داد. آیا کل این حوادث فریاد نمی زند که بر روی ریل از همه لحاظ غلطی در حال مبارزه ایم؟! امروز حدود ۹۷٪ قراردادهای شغلی موقت، و کمتر از یک سال هستند. حاکمان سرمایه داری اسلامی با پائین نگه داشتن مزد، ما را به ورطه فقر بیشتر راندند، ما تن دادیم، ضعیف تر و مفلوک تر شدیم. سرمایه داران بیشتر تاختند، هر مقدار امنیت اشتغال ما را آتش زدند، سرمایه داران فقط در ایران این کار را نکردند. همین ۷۴٪ کارگران دنیا با مزد بسیار نازلی که دریافت می کنند قادر به ادامه معاش نیستند، بضاعت دارو و درمان ندارند، عموماً آب آشامیدنی سالم ندارند،

جمعیت عظیمی از آنها فاقد مدرسه و معلم و کلاس درس برای بچه های خود هستند. همه اینها فریاد می زنند که باید میدان مبارزه را عوض نمود. همه چیز می گوید که اگر قدرت پیکار طبقاتی خود را در مقابل قدرت طبقه سرمایه به کار نگیریم نابودی کارمزدی پیشکش!! حتی نمی توانیم به سنار و سی شاهی افزایش مزد هم دست یابیم. طبقه ما بسیار بدجوری باخته است. اگر می خواهیم سطح دستمزد و سطح زندگی ما بیش از این سقوط نکند، باید به مبارزه دائم خود بر علیه سرمایه با شیوه های رادیکال تر ادامه بدهیم، سرمایه دار همیشه مایل است دستمزد را هر چه بیشتر کاهش دهد و زمان کار اضافی را تا حد ممکن طولانی کند. ما باید همیشه جهت عکس این خواسته سرمایه دار عمل و حرکت کنیم، این کار به این بستگی دارد که قدرت کدام طرف نبرد بیشتر است. جبر زندگی و هستی اجتماعی ما است که ما را وادار خواهد کرد که قدرت خود را نه بعنوان کارگر این کارخانه و یا آن کارخانه، بلکه به عنوان آحاد طبقه کارگر متشکل سازیم. قدرت طبقاتی خود را شورائی و سازمان یافته در مقابل طبقه سرمایه دار به نمایش بگذاریم، اگر ما قدرت طبقاتی خود را در مقابل قدرت طبقه سرمایه دار به کار نگیریم مسلماً هر روز وضعمان از روز پیش

بسیار وخیم تر و دهشتناک تر خواهد بود. شکل‌های تاکنونی مبارزات ما تاریخاً شکست خورده، زنگ زده و فاقد ظرفیت لازم برای کمترین موفقیت گردیده است. باید خواستار تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شویم. باید صریح و عریان اعلام داریم که در طول سال چه مقدار کار کرده ایم، چه تولید نموده ایم، حاصل کار و تولید ما چه بوده است، ما دهها بار بیش از مزدی که دریافت می کنیم، سرمایه و ثروت و امکانات به وجود می آریم، باید برای خارج سازی بخش هر چه عظیم تر و تمام تر کل حاصل کار و تولیدمان از چنگال طبقه سرمایه دار و دولت‌ش مبارزه کنیم. باید به جای جنگ بر سر مزد کمتر و بیشتر بر سر بودن و نبودن سرمایه داری بجنگیم، باید همین مبارزه جاری برای افزایش مزد را با جنگ واقعی بر سر سرنوشت کار و تولید خویش جایگزین سازیم. برای این کار باید یک قدرت متحد سازمان یافته شورائی و ضد بردگی مزدی گردیم. این قدرت را علیه سرمایه وارد میدان کنیم. با این قدرت سهم هر چه بیشتر حاصل تولید و کار خود را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشیم. همزمان این قدرت متشکل شورائی را عظیم تر سازیم و آماده نابودی سرمایه داری گردیم.

«حسن حسام» از چه چیز عصبانی است؟!

بهرام دزکی / بهمن ۱۴۰۰

بیلان کار و تولید سالانه خود را بر سر بورژوازی بکوبید. بگوئید که مثلاً در سال ۱۳۹۹ به طور تقریباً از هر شصت تومان یا بیشتر کار و تولیدمان فقط یک تومان به شکل مزد گرفته ایم و مابقی کلاً سرمایه طبقه سرمایه‌دار شده است. کاخ‌های سر به فلک کشیده و ویلاهای افسانه‌ای سرمایه‌داران گردیده است، هزینه سرکوب فیزیکی و فکری مبارزات ما شده است. محصول کار و تولید سالانه طبقه ما باید صرف معیشت مرفه، بهترین شکل نگهداری از سالمندان، معلولان، بازنشستگان و از کارافتادگان شود. آب، برق، گاز، خوراک و پوشاک، مسکن، تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه، امکانات رفاهی جمعی، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج و حق بدون هیچ قید و شرط کل افراد جامعه اعم از شاغل یا جویای کار گردد.

۲- تبعیضات جنسیتی، آلودگی‌های محیط زیستی، فقر، گرسنگی، بی‌خانمانی، بی‌آبی، نبود بهداشت، محرومیت از آموزش و کل

حسن حسام در مصاحبه با مجری برنامه تلویزیونی موسوم به «برابری»! حول موضوعی به نام «سه گرایش درون جنبش کارگری» و چگونگی برخورد به مسأله دستمزدها، هر چه در توان داشته است علیه کارگران ضد سرمایه‌داری و فعالان رویکرد لغو کار مزدی تحریف نموده و دروغ بافته است. او عوامفریبانه، انسان که طبیعت سندیکالیست‌های چپ‌نما است جنجال نموده که رویکرد ضد سرمایه‌داری مخالف مبارزه کارگران برای معیشت بهتر و رفاه ممکن است!! فقط از لغو کار مزدی می‌گوید!! شعار می‌دهد!! حسام یا کلمه‌ای از کارگران ضد سرمایه‌داری نمی‌داند یا اگر می‌داند آگاهانه دشمن سرسخت هر میزان مبارزه توده‌های کارگر برای رهائی از شر نظام بردگی مزدی است. آنچه او را به وحشت انداخته این است که رویکرد ضد سرمایه‌داری و برای لغو کار مزدی گفته است:

۱- مبارزه روزانه خود برای بهبود معاش و امکانات اجتماعی بیشتر را بر ابدی دیدن سرمایه‌داری بنا نکنید، به جای خواست مزد به تناسب «نرخ تورم»!!

بدبختی های موجود بشر در دنیای روز محصول مستقیم استثمار، ستمگری و حاکمیت سرمایه داری است. کار خانگی زنان، مردسالاری، کار کودکان، گورخوابی و همه مصیبت ها را سرمایه بر ما تحمیل می کند. برای مقابله با این فاجعه ها، باید مستقیماً شریان سود و چرخه تولید سرمایه داری را هدف گیریم. توده های طبقه ما از زن و مرد، جنبش روز ما، باید محو کار خانگی را دستور مبارزه کند، مادام که این شکل کار محو نشده، طبقه و دولت سرمایه دار را به پرداخت بهای کامل ساعت به ساعت آن مجبور سازد، خواستار سهم برابر هر انسان از تولید اجتماعی سالانه شود، وابستگی اقتصادی زنان به مردان و کودکان به خانواده را مورد هجوم قرار دهند. برای کاهش و رفع آلودگی های زیست محیطی خواستار تعطیل کلیه کارها و تولیداتی شوند که مخرب، مسمومیت زا، باعث ویرانی طبیعت و محو سلامتی انسان است و.....

کارگران ضد سرمایه داری این نکات را مطرح نموده و به توده همزنجیر خود گفته اند که حول این مطالبات مبارزه خود را شورائی سازمان دهیم. ما بر سر بودن و نبودن سرمایه داری جنگ داریم، سرمایه داران و ایادی آنها از نوع حسن حسام می خواهند که این نظام باشد، حداکثر از شکلی به شکل دیگر در آید، مالکیت سرمایه به جای خصوصی بودن دولتی شود، اما مشکل ما کارگران به هیچ وجه با این ویرایش ها و پیرایش ها سر سوزنی کاهش هم نمی یابد. آرزوی ما دموکراتیزه

کردن این نظام ضد انسانی نیست، دار و ندار خواستمان این نیست که اجازه یک روزنامه تا مغز استخوان منحل در الگوهای قانونی سرمایه داشته باشیم، چیزی که قله آرزو و آرمان حسن حسام است. کارگران ضد سرمایه داری گفته اند و می گویند که دخیل بستن به دولت سرمایه و خواست این و آن اصلاحات یا مجرد ساقط نمودن یک رژیم و آوردن رژیم دیگر فقط به درد کسانی می خورد که آرزوی برپائی دکه ای برای روزنامه نگاری در جهنم بردگی مزدی یا شغلی در ماشین دولتی سرمایه برای شریک شدن در استثمار کارگران و حکومت بر آنها دارند.

۳- تحصن در مقابل استانداری، مجلس و وزارت کار، التماس و درخواست حق اعتصاب و تشکل از دولت سرمایه، آب در هاون کوبیدن است. به جای مبارزه قانونی، با توقف چرخه تولید سود، با مختل سازی همه اشکال نظم سرمایه داری، طبقه بورژوازی و دولتش را مجبور به تسلیم کنیم. قدرت شورایی خود را سراسری و سرمایه ستیز سازمان دهیم. حرف های ما این است و همین حرف ها است که حسام را خشمگین و دچار وحشت کرده است. اما کلام او در مقابل گفته های ما چیست؟

حسام به کارگران می گوید، با سرمایه داران چانه بزنید، خواستار افزایش دستمزد متناسب با قوانین و نرخ تورم شوید، از دولت سرمایه اصلاحات گدائی کنید، در مطالبه این اصلاحات چپ روی نکنید، حد ننگه دارید، پای از گلیم

کارگر بودن خود بیرون نگذارید. تقدس مبارزه قانونی را کمرنگ نکنید؛ به جای تغییر این ماده قانونی مجلس با آن مصوبه دولتی سرمایه، بست بنشینید، تحصن در مقابل کاخ قدرت سرمایه معجزه می کند، با متحصن شدن معاش خود را بهبود بخشید! هر کجا سرمایه داری در خطر افتاد دست از خواست های اصلاح طلبانه خود بردارید. فراموش نکنید او و تشکل متبوعش در شروع جنگ ارتجاعی ضد بشری میان جمهوری اسلامی و رژیم صدام، سراسیمه و هراسان از توده های کارگر ایران خواست که به جای ۸ ساعت در روز ۱۲ ساعت کار کنند، تا از این طریق وفاداری خویش به «مام میهن» و جانفشانی خود در دفاع از «مرزهای مقدس ملی» را به اثبات رسانند!! حسن حسام می گوید. حلزونی قدم بردارید، اساس وجود سرمایه داری را مقدس بشمارید، سندیکا بسازید، خواهان حق اعتصاب مبتنی بر قانون و جواز دولت های بورژوازی بشوید. در مقابل حاکمان تضرع و التماس کنید که به شما حق ساختن سندیکا بدهند، همزمان پشت سر شایدان حزب باز مدعی منجی گری صف بندید، به آنها فرصت دهید تا بالای سر شما برایتان حزب بسازند، روزی، روزگاری به دستور حزب پرچمدار

جا به جایی این الگوی سرمایه داری با الگوی دیگر، به خیابان ریزید، دولت روز را به زیر کشید، حزب منجی را بر تخت قدرت بنشانید، خودتان به سر کار باز گردید، برنامه ریزی کار و تولید را به حزب ناجی بسپارید!! حسام اصرار دارد عین راهبردها و تاکتیک های «کمونیسم» اردوگاهی و چینی را خورند شعور ما سازد. او در همه این ۴ دهه همین حرف ها را زده است. دورنمای نهائی حسام برای کارگران دنیا و ایران یک سرمایه داری دولتی حاضر به دادن مقداری دموکراسی به احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و روزنامه ها است. حسام از مبارزه کارگران برای محو واقعی سرمایه داری وحشت دارد، سخن تدارک توده کارگر برای برپائی یک جنبش متشکل شورائی ضد کار مزدی او را به هراس می اندازد، او هر میزان جهتگیری کارگران در این راستا را بر باد رفتن آرمان طلائی استقرار سرمایه داری دولتی زیر بیرق دروغین «سوسیالیسم» و خزیدن خود در ماشین دولتی شکلی از سرمایه داری می بیند. مشکل او این است، به همین دلیل کمپین جدال با کارگران ضد سرمایه داری و فعالان جنبش ضد کار مزدی راه می اندازد.

گزارش اعتراضات کارگری روزهای اخیر



شوشتر، اصفهان، اراک، رشت، سنندج، مشهد، اهواز، شوش، کرمانشاه، تهران، دست به تجمع زدند.

روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه کارگران داربست‌بند و مونتاژکار پتروشیمی کیان واقع در عسلویه که در استخدام پیمانکاری کیوانی در شرکت ماشین سازی اراک در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند. کارگران این پیمانکاری روز شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۰ نیز به همین دلیل دست به اعتصاب و اعتراض علیه کارفرمای خود زدند. این کارگران در طرح اقماری نبوده و مجبور به ۲۴ روز کار مستمر در ماه با دستمزدهای نازل هستند.

دومین روز تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری خوزستان همزمان با تجمع کارگران گروه ملی فولاد، کارگران شهرداری اهواز هم مقابل استانداری تجمع داشتند که کارگران شعار سر میدادند: فولاد، شهرداری، اتحاد، اتحاد!

تعدادی از کارگران شرکت نورد لوله اهواز با تجمع مقابل استانداری خوزستان خواهان بازگشت به کار شدند.

روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه جمعی از اعضای تعاونی مسکن کارکنان منطقه ۲ شهرداری تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به تامین مسکن مقابل ساختمان شورای

۲۳ بهمن ماه، کارگران سیمان سپاهان تجمع بزرگ اعتراضی با حضور اکثر کارگران و در اعتراض به وضعیت اسفبار معیشتی، حقوق اندک و عدم امنیت شغلی برگزار کردند. کارگران معترض همچنین خواستار بازگشت به کار همکاران اخراج شده خود شدند.

کارگران مترو تهران روز شنبه ۲۳ بهمن ماه در اعتراض به عدم تحویل لباس کار، عدم امنیت کار با لباس شخصی و وضعیت شغلی خود تجمع کردند.

تعدادی از کارگران کارخانه پارسیلون خرم‌آباد روز شنبه ۲۳ بهمن ماه با برپایی تجمعی خواهان بازگشایی کارخانه و بازگشت به کار خود شدند.

روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، سطح نازل دستمزدها و نبود هیچ آینده ای برای کار مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

رانندگان تاکسی شهرستان بهارستان؛ صبح امروز با پارک کردن خودروهای خود در کنار اتوبان در اعتراض به پرداخت عوارض در آزادراه تهران - ساوه و کاهش دستمزدشان اعتراض کردند.

روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه کارگران بازنشسته در اعتراض به سطح نازل دستمزد و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود در شهرهای

شهر تهران دست به تجمع زدند.

پایانی اعتراضات سراسری معلمان ایران و تاکید بر ادامه اعتراضات تا دستیابی کامل به خواسته‌های فرهنگیان شاغل و بازنشسته.

کارگران کیان تابر با آتش زدن لاستیک در محوطه این کارخانه خشم خود را ابراز داشتند. آنها بارها در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مزایا و وضعیت نامشخص شغلی دست به تجمع زده‌اند.

هم زمان بطور جداگانه **تجمع بزرگ کارنامه سبزا** امروز ۳۰ بهمن با شعار: باز جیب‌تون بی پول شد آزموناتون شروع شد! حالا که وقت جذب شده برنامتون عوض شده!! در مقابل اداره آموزش و پرورش رجایی شهر دست به تجمع و اعتراض زدند.

روز سه شنبه ۲۶ بهمن ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان برای سومین روز متوالی مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به راه پیمایی و تجمع زدند و شعار کارگر فولاد اتحاد اتحاد سر دادند. این در حالی است که کارگران از توطئه عناصر شورای اسلامی کار، مدیریت شرکت و نهادهای امنیتی علیه اعتصاب و اعتراضات کارگران خبری می دهند.

روز شنبه ۳۰ بهمن جمعی از رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد تهران مقابل درب اداره مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در اعتراض به سطح نازل دستمزد و تاخیر پرداخت آن تجمع کردند.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز همراه با کارگران شهرداری اهواز و شرکت نورد لوله اهواز روز ۲۷ بهمن با شعار نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد در برابر ساختمان استانداری خوزستان تجمع اعتراضی کردند.

روز شنبه ۳۰ بهمن ماه، جمعی از کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در اعتراض به کاهش دستمزدهای ناچیزشان، در مقابل ساختمان محل کار خود واقع در تهران، دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه جمعی از کارگران پیمانکاری راه آهن شیراز، بوشهر، عسلویه، یزد و تبریز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود توسط شرکت‌های پیمانکاری دست به تجمع زدند.

روز شنبه ۳۰ بهمن ماه، تعدادی از رانندگان تاکسی ساکن شهرستان دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد، با توقف خودروهای خود در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر در اعتراض به کاهش دستمزد دست به اعتراض زدند.

روز شنبه ۳۰ بهمن معلمان حداقل سی و یک شهر دست به تجمع زدند، شعار معلم زندانی آزاد باید گردد از جمله شعارها بود. تجمع اعتراضی معلمان کرج مورد هجوم نیروی سرکوب قرار گرفت و به بازداشت بیش از ده معلم توسط پلیس و لباس شخصی‌ها ی عمل سرمایه انجامید. تاکنون بازداشت معلم‌ها، جمشیدی، سالمی، شهریاری، بهارلو مشخص شده است. قطعنامه

کارگران معدن زغال‌سنگ البرز شرقی دامغان صبح **روز شنبه ۳۰ بهمن** ماه در اعتراض به تغییر وضعیت شغلی خود از پیمانی به شرکتی و پرداخت نشدن دستمزد و مزایا تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#شورایی_ضد_سرمایه_داری_متشکل_شویم

#کارگران_ضد_سرمایه_داری

ما عده ای کارگریم، تا چشم باز کرده ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه داران و سرمایه بوده ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده ایم که کلیه سرمایه ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید می شود و دنیای فقر و فلاکت و سیاه روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می گردد. هر چه بیشتر تولید کرده ایم عمیق تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده ایم. هر چه بر قدرت سرمایه افزوده ایم خود فرسوده تر و حقیرتر شده ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه دار، مدافع سرمایه داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته ای نیستیم. اینگونه تشکلهای را که از بالای سر کارگران ساخته می شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه زنی با سرمایه داران و کسب قدرت دولتی می دانیم. این نوع تشکل سازیها حتی اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپنمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه داری می دانیم. می خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه ستیز در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هر چه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.